تجزیه و ترکیب عبارت

در اولین مباحثهای که چندین سال پیش بود، عرض کردم که گویا به حد دستور غیر قابل امتناع فرموده بودند و الا طلبهای مثل من چطور میتواند توحید صدوق را مباحثه کند. ولی خُب، همین اندازهای که فرمودند و بعد شروع شد و چندین سال همینطور بود. مان آنها هم فرجهای شده است. الآن هم که باز عبارتی را میخوانم، بینی و بین اللّه برای این است که مطرح شود و از غربت خارج شود. گاهی است که سالها میگذرد و میبینیم حرفها بوده است و ما دنبال آن نرفتیم. لذا این مباحثه برای این است که در دستها بیاید و مثل من طلبه بهانهای هستم که اینها مطرح شود. از این باب است. نه از این باب که من اهل فهم آن باشم یا نه. بهانه بودن مطرح شدن خیلی کم است. میشود کسی بهانه شود برای مطرح شدن اینها. لذا من عبارت را میخوانم و فهم و تأمل در آن و بالا بردن معارف خودتان نسبت به این عبارات، برعهدهی خودتان و ذهن شریف خودتان؛ به استعانت از خداوند و اولیای او.

به این عبارت رسیدیم:

> «وممتنع عن الادراك بما ابتدع من تصريف الذوات وخارج بالكبرياء والعظمة من جميع تصرف الحالات ، محرم على بوارع ثاقبات الفطن تحديده وعلى عوامق ناقبات الفكر تكييفه»[1].

«و ممتنع عن الادراك»؛ خداوند متعال امتناع دارد از اینکه بتوانیم او را درک کنیم، «بما ابتدع»؛ «ابتدع» یعنی آفریدن، **«من تصريف الذوات»؛** ذوات را به تغییر و تغیر او میدارد. این معنای اجمالی جمله است. ولی جملهای است که این چیزهایی که در آن به کار رفته است؛ هم روی مفردات آن و هم روی مجموع آن، اگر تأمل شود خوب است.

ابتدا عبارت را یک تحلیل صرفی و نحوی کنیم. خود عبارت از حیث تجزیه و ترکیب صرفی و نحوی روشن شود و بعد ببینیم حال در مجموع از حیث مطلب چه میشود. مطالبی که مرحوم مجلسی و دیگران فرمودهاند را عرض میکنم.

کلمهی «ممتنع»، خبر است یا مبتدا است؟ چطور است که «ال» ندارد؟ اگر مبتدا بود «الممتنع» میشود که «عن الادراک» خبر آن میشد. «ممتنع عن الادراک» چطور مبتدایی است؟ «عن الادراک» خبر آن است؟ اینها مهم نیست. اندازهای که به ذهن من میآید در اینجا خبر نیست، دنبالهی صلهی «الذی» است.

در آنجا اینطور آمده بود: «الحمدللّه الذي لا من شيء كان و لا من شيء كوّن ما قد كان، مستشهد بحدوث الأشياء على أزليته»؛ «مستشهد» میتوانست خبر باشد. چون مبتدا نداشتیم. «الحمدللّه الذی کذا و کذا و مستشهد». این بهعنوان یکی از محتملاتی است که به ذهن میآید. یعنی «الحمدللّه الذی هو مستشهد»، پس خبر هست، اما خبری است که در آن صلهی موصول قرار گرفته است. خبر «هو»ی صله است. [ممتنع] خبر مبتدایی نیست که در اینجا مقدر باشد.

دنبال‌ه‌ی صل‌ه است. وقتی آن را به‌عنوان صل‌ه نگاه کنیم، دیگر دنبال «ال» نمی‌گردید. این برای «ال».

---

[1]. شیخ صدوق، التّوحيد، ج ۱، ص ۷۰.

بازبینی #1
ایجاد شده 22 ژوئیه 2024 15:46:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئیه 2024 15:55:27 توسط ... .